

ضرورت و چگونگی

تحقیق در تزه‌های

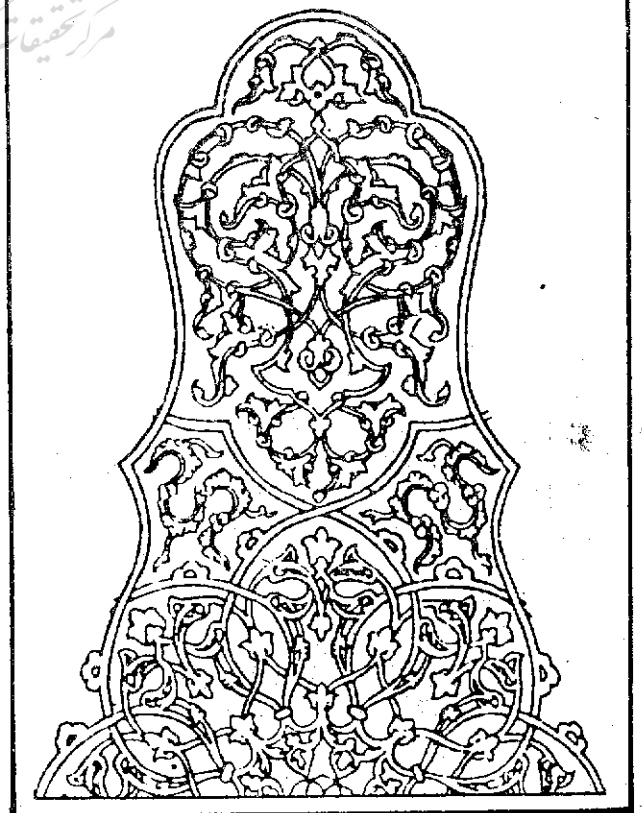
اصلاحی جهان اسلام

محمد علی سلطانی

جهان اسلام مدت زمان درازی را در جهل و تاریکی بسر برد، از اندیشه‌های دینی غافل گشت، و راه و رسم زندگی درست را از دست داد. درگیری‌ها و اختلافات درونی اوج گرفت و تعصبات بی پایه توان مسلمانان را به هدر داد. حاکمان در لالک فساد و شهوت خود فرو رفتند و عالمان در بگویم‌مگوهای بی حاصل غرق گشتند و توده مردم بی آنکه ره به جایی ببرند، در آتش هواپرستی‌های حاکمان و غفلت عالمان تباہ گشتند.

جنگ‌های دیر پای صلیبی که زمانی به سود مسلمانان و وقتی به نفع مسیحیان در جریان بود، با بهره گیری از رکود و سستی حاکم به جهان اسلام و اتخاذ شیوه‌های نواز سوی مسیحیان، برای همیشه به سود آنان تمام گشت و دنیای اسلام به همراه دیگر کشورهای غیر اروپایی در دامن غرب افتاد و اقتدار و شکوه مسلمانان درهم شکست؛ از این تاریخ قلم تقدیر در دست کشورهای پیشرفته و استعماری‌ش اروپایی جا خوش کرد و نکبت و بدبختی بر جهان اسلام سایه افکند.

توده مردم به خاطر گرفتاری‌های روزمره زندگی و فقدان آگاهی و بیداری شریخش از شرایط زندگی خود غافل ماندند و توان اندیشیدن به چرایی وضع موجودشان را از کف دادند و به عادت کردند. لکن متفکران چندی که از تیزهوشی بالایی برخوردار بودند و در دام روزمرگی گرفتار نشدند، افق دید خود را گسترش دادند؛ اینان در فکر‌رهایی از وضع موجود برآمدند و به درافکندن طرح‌های رهایی دست یازیدند. کم کم مقوله‌ای جدید تحت عنوان «مصلحان و تزه‌های اصلاحی»، در فرهنگ مسلمانان راه یافت و بحثی نو وارد میدان اندیشه محققان



گشت. مقالات و کتابهایی نگاشته شد و این سووآن سوی حیات اصلاحی مصلحان بی انسجام و غیرفراگیر از سوی محققان به بحث و بررسی درآمد.

نگارشهایی این سان با همه کمبودهایی که دارد، تلاشی است ارجمند و شایان تقدیر؛ لکن کاری بسنده نیست و با توجه به فراوانی تره‌های اصلاحی و تفاوت‌های بنیادی که میان آن وجود دارد، به تلاشی بیشتر و هم‌تاهایی والا تر نیازمند است و پژوهشی بایسته را از سوی محققان می‌طلبد. در این نوشته تلاش خواهد شد تا ضمن گزارش ضرورت کار، شیوه‌ای برای بسامان رساندن آن ارائه گردد؛ با این اعتراف که طرح پیشنهادی، خالی از ایرادات و اشکالاتی که به گونه طبیعی بر طرح‌های ابتدایی سایه می‌افکند، نخواهد بود و قطعاً پیوندها و پیرایش‌های تکمیلی را خواهد خواست.

ضرورت کار

واقعیتی انکارناپذیر فراروی جهان اسلام قرار دارد؛ دردی مزمن و توان‌کش به نام «عقب‌ماندگی» که آثار آن را در سرتاسر زندگی مسلمانان می‌توان دید. برای این بیمار درد کشیده، نسخه‌های فراوانی نوشته شده است؛ پاره‌ای از آنها بهبودزا بودند و پاره‌ای دیگر بر شدت درد افزودند؛ گروهی از طبیبان در شناخت درد به بیراهه رفتند و گروهی دیگر در تجویز دارو به اشتباه افتادند؛ شماری بر تمام علائم بیماری توجه کردند و شماری دیگر به جلوه‌هایی از آن دیده دوختند؛ پاره‌ای بی‌عنایت به توان مریض به درمان دست یازیدند و پاره‌ای دیگر هماهنگ با قدرت و موقعیت مریض نسخه‌ای نگاشند.

و اینک در پایان چندین دهه تلاش مستمر، شمار فراوانی نسخه‌های نگاشته شده است که تاریخ جهان اسلام را در دهه‌های اخیر ساخته است. بیماری گرچه بهبودی نسبی یافته و جهان اسلام نسبت به چندین دهه پیش گام‌هایی به پیش برداشته است؛ لکن بیماری همچنان باقی است و نیازمند درمانی اصولی می‌باشد. در دهه‌های آینده نیز این واقعیت ادامه خواهد یافت؛ متفکرانی ظهور خواهند کرد، طرح‌هایی ارائه خواهد شد، تلاش‌هایی انجام خواهد گرفت و درگیریهایی فراوانی در جهان اسلام به وجود خواهد آمد و گام‌هایی به پیش برداشته خواهد شد. عقل سلیم حکم می‌کند که محققان این روزگار به

جمع‌بندی تلاش‌های درمانی پیشینیان همت گمارند و مجموعه آن را با کشف نقاط ضعف و قوت در اختیار مصلحان آینده بگذارند؛ باشد که آنان با بهره‌گیری از تجربیات و عملکرد گذشتگان، در تشخیص درد و شناخت درمان توان فراوانتری به دست آورند و به بهبودی کامل مریض دست یابند.

بررسی و شناخت نهضت‌های نجات‌بخش و تزه‌های اصلاحی، در واقع بازخوانی تجربیات فکری و عملی دهها متفکر دورنگری است که با توجه به موقعیت و محیط فکری و اجتماعی خویش، برای سعادت و بهروزی جهان اسلام شیوه‌ای را ارائه کرده‌اند و راهی را نشان داده‌اند. و نیز نوعی مطالعه منسجم و فراگیر نسخه‌هایی است که برای یک دوره از بیماری و ناخوشی، از سوی طبیبان مختلف ارائه شده است. و پیداست که این مهم برای طبیبان آینده سودمند و راهگشاست.

بی‌سامان یافتن ضرورت یادشده، مصلحان را در دام تکرار خواهد افکند و تجربیات تلخ و بدفرجام را به آزمایش دوباره خواهد کشاند. نیروها به هدر خواهد رفت و فرصتها از چنگ بیرون خواهد شد. پاره‌ای همگون کاریهای ناسودمند در عملکرد مصلحان گذشته، گواه برزیانی است که از ناحیه نپرداختن به جمع‌بندی کار گذشتگان در حرکت مصلحان به وجود آمده است. اگر پژوهشگران کمر همت می‌بستند و به جمع‌بندی کار گذشتگان می‌پرداختند، علل توفیقات و ناکامیها را بررسی می‌کردند، شرایط اجتماعی و فرهنگی ظهور مصلحان را بازگو می‌کردند، جبرهای موجود را نشان می‌دادند، روزه‌ها و گریزگاه‌های ممکن را که در پیش‌پای مصلحان بود و آنان از آن غافل بودند، می‌نمایاندند؛ قطعاً در روند حرکت‌های اصلاحی پیشرفتهای خیره‌کننده‌ای فراهم می‌آمد و موانع و مشکلات به سهولت کنار زده می‌شد؛ و لیک چنین کاری به شایستگی انجام نیافت و اشتغالات فکری و به احتمالی فوریت اصل انجام «اصلاح» به متفکران و پژوهندگان فرصت کافی برای پرداختن به چنان کاری نداد، و در نهایت میزان بهره‌وری از تجربیات گذشتگان را پایین آورد و زیانهای درخور توجه را موجب گشت. این زیانها می‌تواند دلیل لازم بر ضرورت و فوریت بررسی عملکرد مصلحان و تزه‌های اصلاحی آنان باشد و پژوهشگران را بر سر غیرت آورد و به کار جمع‌بندی تجربیات مصلحان و ادارشان کند.

شیوه و شرایط:

تحقیق و کاوش در تزه‌ها و نهضت‌های اصلاحی را به شیوه‌های گوناگون می‌توان انجام داد؛ شیوه‌هایی چون مطالعه بر پایه همگونیهای تزه‌ها، شخصیت‌های اصلاحی، ترتیب تاریخی، تقسیم فرقه‌ای، فصل‌بندی موضوعی، مرزبندی محیطی، کامیابی و ناکامی و غیر آن. در انجام کار نیز می‌توان مطالعه و تحقیق را به صورت فردی یا گروهی و سازمانی پیش گرفت. لکن در هر شیوه انتخابی باید شرایط و چگونگی‌هایی را در نظر گرفت که فرآورده تحقیقی در راستای هدف «تجربه اندوزی» واقع شود و مناسبترین محصول به دست آید. شرایط و چگونگی‌های مورد لزوم را می‌توان چنین به شرح ذیل برشمرد.

۱- واقعیت‌گرایی:

اغلب حرکت‌های اصلاحی در محیط و زمان خود، پدیده‌هایی بدعت‌آلود و نامأنوس جلوه می‌کردند. خشم گروهی را برمی‌انگیختند و عشق و علاقه گروه دیگری را شعله‌ور می‌ساختند، و خود به موضوعی جنجالی و بحث‌انگیز تبدیل می‌شدند و غوغای فراوانی له و علیه خود برمی‌انگیختند. تبلیغات موافق و مخالف در حول و حوش حرکت‌های اصلاحی چنان گسترده و فراگیر است که تبلیغات گمراه‌کننده را به لازمه عادی حرکتها مبدل ساخته است و کمتر حرکتی را می‌توان یافت که از حصار آن بیرون قرار گرفته باشد. این حرکتها در جوامع مذهبی - که موضوع پیشنهادی این مقاله است - با پدیده دیگری به نام «تکفیر» و «تفسیق» نیز مواجه شد. چنانکه اتهام و وابستگی و دست‌نشانده‌گی نیز سایه خود را بر سر این حرکتها افکنده است. از این روی تحقیق سالم در شناسایی حرکتها با موانع و مشکلات عمده‌ای گریبانگیر است و محقق در هر لحظه در سراسیمه انحراف قرار دارد و هر آن امکان آن است که روند کار به بیراهه کشانده شود.

محققی که در پی کشف واقعیت و تبیین درست حرکت‌های اصلاحی است، باید خود را دور از تأثیرپذیریهای تبلیغ شده و جونگریهای زیانمند قرار دهد و خویش را بسان نظاره‌گری در نظر آرد که بر بلندایی ایستاده و بر حرکت کاروانهای گوناگون در پایین پای خویش نگاه می‌کند و بدون ملاحظه خواست

کاروانیان و علاقه خویش، روش و شیوه سیر آنان را می‌سنجد، سره و ناسره آن را شناسایی می‌کند و حوادث را آن گونه که واقع شده برای آیندگان می‌نگارد. تحقیقی این سان نیازمند دو عامل اساسی است: از سویی دلیری، شجاعت و سعه صدر محقق را می‌طلبد، تا جوسازیها و غوغا سالاریها وی را به ندیدن بخشی از واقعیتها، بزرگ نشان دادن پاره‌ای دیگر و واقعیت‌نمایی تحقق نیافته‌ها مجبور نکند. و از سوی دیگر، روشن‌بینی و ظرافت نگری خوانندگان و محیط نشر دستاورد تحقیق را می‌خواهد، تا میان تحقیق و بررسی یک پدیده تاریخی و تبلیغ و جانبداری از اندیشه‌ای یا مخالفت و عناد با آن، فرق گذاشته شود و بیان واقعیت از سوی محقق، ابزار عقیده و مدرک اعتقاد تلقی نشود.

محقق باید کلیه احتمالات ممکن را در فرایند تحقیق خود وارد کند و در مواردی که یک حرکت و نهضت به طور قطع انحرافی و نادرست معرفی شده است، امکان سلامت و درستی را از نظر دور ندارد. چون در جوامع اعتقادی حصول قطع و یقین به نادرستی و انحراف پدیده‌ای، ساده‌تر و فراوانتر از مجامع علمی و تحقیقی است. از این روی محقق و پژوهنده که با دلیل علمی و ابزار منطقی در پی کشف واقعیت است، باید خود را از لوازم طبیعی جوامع اعتقادی دورنگه دارد و مرزباور و اعتقاد فردی خود را با کار علمی و تحقیقی محفوظ دارد.

واقعیت‌گرایی، رخصت پیشداوری را نیز از محقق می‌گیرد؛ چرا که پیشداوریها به مقدار زیادی زائیده تأثیر محیط و باورهای فردی است که در سایه زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. پیشداوری پژوهشگر را افزون بر آنکه از دست یافتن به تمام اسناد و مدارک باز می‌دارد؛ در تفسیر و تحلیل درست اسناد نیز ناتوان می‌سازد. پژوهنده پیشداور بیش از آنکه در پی دست یافتن به واقعیت باشد، به دنبال تثبیت و تأیید داوری اولیه خود است. از این روی ناخودآگاه همه اسناد، آراء و اقوال موجود در حول و حوش حرکت اصلاحی را نمی‌بیند و به نوعی گزینش اجباری کشانده می‌شود.

۲- فراگیری:

تحقیق در حرکت‌های اصلاحی جهان اسلام به طور حتم باید فراگیر باشد. ویژگی و خصلت «موضوعی» در حرکتها،

نوعی به هم پیوستگی و ارتباط بین آنان برقرار می‌کند و آن را به مطالعه منسجم و مرتبط نیازمند می‌سازد.

پژوهشگر در این تحقیق پرسش عمده‌ای فراروی خود دارد که باید برای آن پاسخ درست پیدا کند. این پرسش عبارت از این است که برای نجات مسلمانان از عقب‌ماندگی و رکود، چه طرحها و نظریاتی ارائه شده است. پاسخ به چنین پرسشی به محقق رخصت نمی‌دهد که ویژگی «اسلامی» یا «خلوص دینی» را در گزینش موضوعات تحقیقی مدخلیت دهد. بنابراین هر نوع حرکتی که در جهان اسلام به عنوان طرح نجات و رهایی مطرح شده است، در این فرایند جای می‌گیرد. ویژگیهایی از قبیل درستی و نادرستی، وابستگی و ناوابستگی، دینی و غیردینی، ملی و فراملی و نظائر آن، مانع از ورود نهضت و حرکتی در موضوع تحقیق نمی‌گردد.

در جهان اسلام و میان مسلمانان، طرحهای فراوان و گوناگون اصلاحی وجود دارد: از وابستگی کامل تا بریدگی و استقلال تمام عیار؛ به دیگر بیان پاره‌ای از طرحها نجات مسلمانان را در دست شستن از فرهنگ دینی و ملی خود و پیروی بی چون و چرا از دول غربی می‌دیدند، و پاره‌ای دیگر راه درستکاری را در قهر و جدایی همه جانبه از آنان سراغ می‌گرفتند؛ گروهی به خلوص و پاکسازی دینی فکر می‌کردند و گروهی دیگر به نوعی دوباره‌سازی دین با بهره‌گیری از داده‌های علوم بشری و فرآورده‌های دانش انسانی؛ بخشی به تجدیدنظر در حوزه کاربرد مذهب می‌اندیشیدند و بخشی دیگر به توسعه و فراگیرسازی آن در تمام زوایای زندگی مسلمانان و بازآفرینی خلافت دینی؛ مصلحانی به دست کشیدن از باورهای مذهبی و فرقه‌ای تأکید می‌ورزیدند. و مصلحانی دیگر به درجه‌بندی باورهای دینی و قومی و نژادی توصیه می‌کردند. افرادی کمر به نقی استبداد می‌بستند و اشخاصی سایه استبداد را برای مبارزه با استعمار مغتتم می‌شمردند. همه اینها به نوعی طرح و اندیشه اصلاحی است که محقق باید به تحقیق و بررسی آنها بپردازد.

در فراگیری تحقیق، مرزها و سرزمینها باید درنور دیده شود و کلیه جوامع مذهبی و کشورهای اسلامی در طرح تحقیقی وارد گردد، حتی فرقه‌های خاص که به نوعی اندیشه اصلاحی ارائه داده‌اند یا از سوی محققان و پژوهشگران به اصلاحگری توصیف

شده‌اند، باید مورد تحقیق و بررسی واقع شود. البته این سخن به مفهوم تأیید و مهر تثبیت بفرقه‌گرایی نیست؛ بلکه تأکید بر فراگیر بودن طرح است. و به طور حتم محقق در ضمن گزارش خود به حق و ناحق تلقی شدن این فرقه‌ها در جوامع اسلامی اشاره خواهد داشت؛ لکن چنین اشاره‌ای محقق را از آن باز نخواهد داشت که همه حرکتها را که داعیه‌رهای و اصلاح‌داشتند، یا از سوی صاحب‌نظران به حرکت اصلاحی توصیف شده‌اند، در تحت پوشش تحقیقی خود جای دهد. بنابراین بایسته است که اندیشه‌ها و حرکتهایی نظیر صوفیان قادریه الجزایر، سنوسیهای سودان، وهابیان عربستان، قادیانیان پاکستان و دیگر فرقه‌هایی از این دست را نیز وارد جریان تحقیق کرد. و با تیزبینی به تحقیق، نقد و معرفی علمی، و مقدار تأثیر مثبت یا منفی آنان در روند جامعه اسلامی همت گماشت. چنانکه فراگیری یادشده پژوهنده را ملزم می‌کند تا تلاشهای ضد دینی افرادی چون آتانورگ، رضاخان، آخوندزاده، ملکم‌خان، میشل عفلق، تقی زاده، و نظائر آنان که به نوعی بر نژادگرایی تأکید می‌کردند و در نهایت پیروی از شیوه غرب را سفارش می‌کردند، مورد بررسی قرار دهد و شرایط پیدایش، علل و نتایج آن را باز نماید و رابطه آنها را با حرکتهای اصلاحی روشن کند.

۳- تقسیم بندی:

تلاشهای اصلاحی گونه‌های مختلف داشته و در حوزه‌های متفاوت نمود پیدا کرده است. هر کدام از مصلحان بر پایه تشخیص خویش، حوزه‌ای را مهم و بنیادی تلقی کرده‌اند و به اصولی و پایه‌ای بودن تحول در آن، اعتقاد پیدا کردند و به ارائه طرح و نقشه برای تغییر و تحول و بهسازی آن دست یازیده‌اند. پاره‌ای از این طرحها به طور مستقیم به زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان مربوط است و در نتیجه استعمال عنوان «اصلاح» و «اصلاحگری» برای آن رایجتر و متداولتر است؛ و پاره‌ای دیگر به گونه غیرمستقیم به سرنوشت مسلمانان مرتبط می‌شود و در نهایت به کارگیری عنوان «اصلاح» برای آن از سوی محققان با تردید انجام می‌یابد. ولیک واقعیت این است که کاربرد اصلاح در طرحهای گونه دوم چندان دور از صواب نیست؛ چرا که تلاشهایی نظیر تلاش علامه شیخ عبدالحسین

امینی در تبیین درست حوادث تاریخی، یا شجاعت استاد شیخ محمد ابوزهره در چهره‌پردازی صحیح حاملان حدیث و راویان حوادث تاریخی، در تعدیل تخصصات مذهبی و زدودن موانع راه کم‌سودتر از کوشش‌های سیاسی برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان نیست و به طور حتم به عنوان تزه‌های اصلاحی و نشان دادن راه‌های درست حل اختلافات درونی قابل طرح و بررسی است. همانگونه که تحولات و تغییرات مهم در مقوله اجتهاد میان شیعیان و سنیان به عنوان شیوه‌هایی برای حل تضاد اصول‌گرایی و پویایی، درخور بحث و بررسی در طرح بررسی حرکت‌های اصلاحی است و می‌تواند موضوع تحقیق پژوهنده را تشکیل دهد.

محقق، نخست باید به نوعی تبیین و فصل‌بندی موضوعی در باب حوزه‌های اصلاح و اصلاحگری دست یابد؛ و آنگاه رابطه طرح و اندیشه ارائه شده را با عنوان جامع اصلاح و اصلاحگری تبیین کند و سپس به بیان طرح و نمودن نقاط ضعف و قوت آن بپردازد. گفتنی است که چنین تقسیم‌بندی نباید محقق را از مطالعه پیوسته و مرتبط طرح‌های اصلاحی بازدارد؛ چرا که بررسی منفصل و ناپیوسته طرح‌های اصلاحی، امکان کشف تأثیرگذاری مصلحان را در یکدیگر کم می‌کند و دستیابی به نقاط ضعف و قوت طرح‌ها را در ارتباط با عنوان جامع «اصلاح حال مسلمانان» مشکل می‌سازد. از این روی محقق باید در بررسی هر طرح و اندیشه‌ای، یافتن پاسخ این سؤال را در نظر داشته باشد که چگونه این طرح می‌تواند در بهبود وضع مسلمانان مفید باشد. آنگاه آن بخش از طرح را که در پاسخ به پرسش فوق کارآیی مفید دارد، مشخصتر کند.

۴- جامع‌نگری:

در ظهور یک مصلح و تکوین اندیشه اصلاحی، علل و شرایط فراوانی تأثیر می‌گذارد و زمینه و ساختار و پیدایش تر اصلاحی وی را موجب می‌گردد. مطالعه تزه‌های اصلاحی به گونه مجرد و انتزاعی و بدون در نظر گرفتن علل پیدایش و تکوین آن، مانع شناخت درست و واقع‌بینانه آن می‌گردد و محقق را به بیراهه می‌کشاند. محقق نباید محیط و شرایط اجتماعی خود را ملاک بررسی و شناخت اندیشه‌های اصلاحی و نقد عملکرد مصلحان در محیطها و جوامع دیگر، یا زمانهای

پیشتر قرار دهد. این شیوه موجب خواهد شد که موانع کار دقیقاً درک نشود و مصلحتی بی‌جهت به قصور یا تقصیر متهم گردد. ناگفته پیداست که زمینه و شرایطی که موجب ظهور انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شد، در انقلاب مشروطه نبود. بنابراین رهبران آن را نمی‌توان با توجه به شرایط کنونی متهم به بی‌دینی و یا کم‌علاقگی به اجرای دستورات شرع دانست. چنانکه تزه‌های اصلاحی چون «بازآفرینی خلافت» پس از جنگ جهانی دوم، زائیده شرایط و محیطی بود که امروزه اثری از آن باقی نمانده است. از این رو نباید مصلحان اخیر را که تر خلافت اسلامی را طرح نمی‌کنند، بی‌توجه به عظمت و مجد اسلامی دانست. هر شرایطی، مقتضی فکر و اندیشه‌ای است و متفکران و مصلحان با تأثیرپذیری از محیط خود به ابداع و ابتکار در زمینه اصلاح کشانده می‌شوند. این سخن نادیده گرفتن قدرت انتخاب انسانی و پذیرش جبر نیست؛ بلکه تأکید بر این واقعیت است که قدرت انتخاب نیز با توجه به محیط خود به کار گرفته می‌شود و انسان از چندین راه ممکن در شرایط خاص یکی را برمی‌گزیند. و یا دست کم تکیه بر این واقعیت است که بسیاری از تزه‌های اصلاحی، با عنایت به ظرف زمانی و توانمندیهای محیط خود مطرح شده است. تأثیر علل و شرایط در تکوین اندیشه اصلاحی در مصلحان و تزه‌های اصلاحی، از دوزاویه مشروح ذیل قابل طرح و بررسی است:

الف: شرایط عصری

نخستین زاویه نگرش بر تأثیرگذاری علل در پیدایش اندیشه‌های اصلاحی -زاویه شرایط عصری است. هر دوره‌ای از ادوار تاریخی، خصوصیات و ویژگیهای مخصوص به خود دارد. سطح آگاهی عمومی، فرهنگ و سنت‌های اجتماعی، شیوه‌های تولید، مصرف و زندگی، نوع و مقدار ارتباطات، حجم تأثیر گذاریها و تأثیرپذیریها، شیوه‌های حکومتی، و دهها ممیزه دیگر، هر عصری را از عصر دیگر متمایز می‌کند. این علل عصری در ساخت و شکل‌گیری اندیشه تأثیر فوق‌العاده می‌گذارد، مصلحان هر دوره‌ای به خاطر تأثیرپذیری از علل یاد شده از همگونیهای قابل توجهی برخوردارند؛ و اگر علل دیگری تأثیر ویژه‌ای در مصلحان نمی‌گذاشت، به جرأت می‌توان گفت که اختلافات فکری و تفاوت‌های تزه‌ها به حداقل

می‌رسید.

مصلح بودن صاحب اندیشه، نباید انتظار دست شستن مصلح از باورهای دینی یا فراورده‌های آموزشی و تربیتی را داشته باشد.

۵- تأثیرها:

انسانها و بالتبع آن فرهنگها، تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند. ارتباطات هرچه گسترده‌تر باشد، اثرگذاری و اثرپذیری وسعت بیشتری پیدا می‌کند. ابتکارات و ابداعات مصلحان به هر مقدار عنوان ابتکار و ابداع به خود بگیرد، خالصی از تأثیرپذیری و بهره‌وری از اندیشه دیگران نیست. چه اینکه مصلحان در پی یافتن مطلوبترین راه، به ارتباطات اهمیت بیشتری می‌دهند، آراء همدیگر را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهند و از تجربیات یکدیگر بهره می‌گیرند. آثاری که از مصلحان گذشته باقی می‌ماند، مورد مطالعه مصلحان متأخر واقع می‌شود و اندوخته آنان زاد راه اینان می‌گردد.

یکی از موضوعات بسیار اساسی در بررسی و نقد آراء اصلاحی و اندیشه‌های انقلابی و تحول‌زا، میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مصلحان در یکدیگر است. محقق باید با تیزهوشی، تأثیر گذاریها و تأثیرپذیریها را کشف و مقدار آن را تعیین کند. این کار علاوه بر بیان چگونگی پیشرفت اندیشه‌های اصلاحی، مقدار ابتکارات و ابداعات مصلحان را نیز روشن می‌کند.

آنچه گفته شد از شرایط لازم - نه کافی - برای تحقیق در حرکت‌های اصلاحی جهان اسلام است. محقق باید با توجه به شرایط یاد شده، به سراغ اسناد و مدارک و آراء مستقیم صاحبان تزه‌های اصلاحی برود، چهره واقعی و میزان کامیابی و ناکامیایی مصلحان را روشن و تبیین سازد، تأثیرپذیری از گذشتگان و تأثیرگذاری بر آیندگان را تعیین کند، و در نهایت با سنجش آگاهانه با دیگر نظریات، به ارزیابی آن بپردازد و درسها و پندهایی را که از هریک می‌توان به دست آورد، تبیین کند.

برای بسامان درآوردن طرح یاد شده، پژوهنده یا پژوهندگان را بایسته است که چندین کار انجام دهند: نخست آنکه آثار مربوط به زندگی، تحولات فکری و تزه‌های اصلاحی شخصیت‌های فراوانی که نوعی در تحول جامعه نقش داشته‌اند، مطالعه کند. در این مطالعه باید آثار باقیمانده از این شخصیتها را نیز به دقت مورد توجه قرار دهد. این آثار، اعم از نوشته‌ها،

محقق، در بررسی آراء و نظریات مصلحان، باید به آثار این علل توجه کند. در دورانی که خلافت اسلامی - با همه کاستیها و نادرستیهای تازه در هم ریخته و دشمن با بهره‌گیری از این درهم‌پاشی، کشورهای اسلامی را قطعه قطعه ساخته و زیر سلطه آورده است؛ به طور طبیعی ذهن مصلحان و انقلابیون به بازگرداندن خلافت یا محقق ساختن وحدت اسلامی معطوف می‌شود، چنانکه ظهور پیشرفتهای غرب در کنار استبدادهای حاکم بر جهان، ذهن آنان را به سوی رهایی از استبداد، پیروی از غرب و حاکم‌سازی سیستم دموکراسی سوق می‌دهد. از این رو در بررسی هر طرح و نظریه‌ای، نخست باید سراغ شرایط عصری ظهور آن رفت. اوضاع جهانی و چگونگی زندگی و حاکمیت در جهان اسلام را مورد کنکاش قرار داد، و آنگاه با توجه به آن شرایط، پستیها و بلندیهای طرح و تزارائه شده را تبیین کرد.

ب: محیط پرورشی و آموزشی

زاویه دیگری که نباید از آن غافل شد، محیط پرورشی و آموزشی مصلحان است. مصلحان گرچه تا حدودی جلوتر از هم‌روزگاران خود زندگی می‌کنند و به آینده‌ای می‌اندیشند، ولی تزه‌ها و طرحهای ذهنیشان در محیط آموزشی و پرورشی خاص خود بروز می‌کنند. در محیط شیعی تزه‌های اصلاحی صبغه شیعی، و در محیط سنی رنگ سنی دارد. در شرایط رونق دینی، سیمای دینی پیدا می‌کند و در شرایط رونق لائیزاسیون، چهره‌ای لائیک می‌یابد.

انتظار ظهور مصلحی با تزه‌های اصلاحی هماهنگ با تعلیمات سنی از یک محیط شیعی، همانقدر دور از خرد است که امید پیدایش مصلحی با تزه‌های اصلاحی شیعی از محیط آموزشی سنی. افزون بر اینکه نه تنها نباید چنین انتظاری از مصلحان شیعی یا سنی داشت، بلکه مصلح تربیت یافته در محیط حوزوی را نباید با مصلح آموزش دیده در مراکز آموزشی غیرحوزوی یکی انگاشت و با یک ملاک هر دورا سنجید. نقد و بررسی تزه‌های اصلاحی مصلح سنی با ملاک شیعی، همانقدر دور از انصاف و غیرعلمی است که اندیشه مصلحی غیرحوزوی را با معیارهای حوزویان به سنجش آورد. محقق تیزهوش به بهانه

- ۱۶- عبدالناصر- جمال (۱۹۱۸-۱۹۷۰)؛ رئیس جمهور و بنیانگذار مکتب ناصرسم.
- ۱۷- جناح، محمد علی (۱۲۹۳-۱۳۶۸)؛ مؤسس پاکستان و از بنیانگذاران حزب مسلم لیگ و مبارز شبه قاره هند.
- ۱۸- الجزائری، عبدالقادر (۱۸۰۷-۱۸۸۳)؛ مبارز پرسی سابقه الجزائری که پس از شکست از فرانسویان به فرانسویان روی آورد.
- ۱۹- الحصری، ابوخلدون ساطع (۱۸۸۰-۱۹۶۹)؛ بنیانگذار قومیت عربی و معتقد به جدایی سیاست از دین.
- ۲۰- خمینی، امام روح الله (۱۳۲۰-۱۴۱۰)؛ بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و احیاء کننده دین در قرن حاضر، فریادگر عزت مصلوب و کرامت مغضوب امت اسلامی.
- ۲۱- خیابانی، محمد (۱۳۹۷-۱۳۹۷)؛ مبارز آذربایجانی.
- ۲۲- رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵)؛ از شاگردان عبده، طرفدار تز و نهائیت، مؤلف المنار والخلافة والأمامة العظمی.
- ۲۳- سنوسی ادریس، محمد بن علی (۱۲۰۲-۱۲۷۵)؛ اصلاح طلب الجزائری، مدعی مهدویت.
- ۲۴- شریعتی، دکتر علی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش)؛ متفکر و مصلح پرنفوذ ایرانی، از آثار اوست: اسلام شناسی، بازگشت به خویش و...
- ۲۵- مهدی سودانی، محمد احمد (۱۸۴۳-۱۸۸۵)؛ مؤسس فرقه سودانی و مبارز پر آوازه سودان.
- ۲۶- شلتوت محمود (۱۸۹۳-۱۹۶۳)؛ رئیس الأزهر و صاحب فتوای مشهور جواز عمل به مذهب جعفری و از پیشروان طرفداران جدی وحدت اسلامی.
- ۲۷- شیرازی، میرزا حسن (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ق)؛ مرجع تقلید و صاحب فتوای تنباکو.
- ۲۸- شیرازی، میرزا محمد تقی (۱۲۷۰-۱۳۳۸ ق)؛ مرجع تقلید و رهبر انقلاب عراق.
- ۲۹- حسین، طه (۱۸۸۹-۱۹۷۳)؛ نویسنده مصری و دارای آثار فراوان.
- ۳۰- عبده، محمد (۱۲۶۶-۱۳۲۳ ق)؛ مفتی مصری، شاگرد و همکار اسدآبادی و صاحب تز اصلاحی.
- ۳۱- علی، عبدالرزاق (۱۸۸۸-)؛ نویسنده مصری و

- کتابها و پیامهای آنان است. به عنوان نمونه به پاره‌ای از این افراد در ذیل اشاره می‌شود.
- ۱- آزاد، ابوالکلام محی الدین احمد (۱۸۸۸-۱۹۵۹)؛ نویسنده مبارزه و اصلاح طلب هندی.
- ۲- ابراهیمی، محمد البشیر (۱۸۸۹-۱۹۶۵)؛ رهبر نهضت اصلاح طلب الجزایری و جانشین ابن بادیس.
- ۳- ابن بادیس، عبدالحمید (۱۸۸۹-۱۹۳۱)؛ مؤسس نهضت اصلاح طلب الجزایری و بنیانگذار روزنامه المنتقد والشهاب.
- ۴- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۸۳۹-۱۸۹۷)؛ سر سلسله مصلحان قرن اخیر.
- ۵- ارسلان، شکیب (۱۸۶۹-۱۹۴۶)؛ مؤلف و سخنور مشهور که آثار فراوان دارد؛ از جمله: حاضر العالم الاسلامی.
- ۶- اقبال، محمد (۱۲۸۹-۱۳۵۷ ق)؛ فیلسوف، مصلح و شاعر پاکستان.
- ۷- بروجردی، سید حسین (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ق)؛ مرجع تقلید و مشوق دارالتقريب بين المذاهب الاسلامی.
- ۸- شراره، موسی (۱۲۶۷-۱۳۰۴)؛ استاد سید محسن امین عاملی و دارنده نظریات اصلاحی در شعائر دینی و مجالس عزاداری.
- ۹- امین عاملی، محسن (۱۲۸۴-۱۳۷۱)؛ از چهره‌های پرشور اصلاحگری در مراسم عزاداری و اندیشه اسلامی.
- ۱۰- طالقانی، محمود (۱۳۲۹ هـ ق-۱۳۵۸)؛ از مصلحان فعال علیه استعمار و استبداد و استعمار، از آثار اوست: پرتوی از قرآن.
- ۱۱- شریعتی، محمد تقی (۱۳۶۷-)؛ از چهره‌های پرشور اصلاحگری و بنیادگذار کانون نشر حقایق اسلامی، از آثار اوست: تفسیر نوین، وحی و نبوت.
- ۱۲- خالصی، مهدی (۱۳۴۳-)؛
- ۱۳- بلاغی، محمدجواد (۱۲۸۲-۱۳۳۸ ق)؛ مؤلف و مبارز شیعی که تلاشهای فراوانی علیه فرهنگ غرب انجام داد.
- ۱۴- البتاء، حسن (۱۹۰۶-۱۹۴۹)؛ مؤسس اخوان المسلمین و شخصیت قدرتمند در جهان عرب.
- ۱۵- تقی زاده، حسن (۱۲۵۷-۱۳۴۷)؛ از مشروطه خواهان مشهور و سلسله جنبان تز غربگرایی در ایران.

پیشنهاد دهنده نظریه «اسلام روحانی نه سیاسی»، از آثار اوست: الاسلام و اصول الحکم.

۳۲- قادیانی، غلام احمد (۱۸۳۵-۱۹۰۸)؛ مؤسس فرقه قادیانیه.

۳۳- قطب، سید (۱۹۰۶-۱۹۶۶)؛ نویسنده مفسر و مبارز مصری.

۳۴- کمال، مصطفی (۱۸۷۴-۱۹۰۸)؛ مبارز ملی گرای مصری، مؤسس روزنامه اللواء و هفته نامه العالم الاسلامی و بنیانگذار حزب الوطنی.

۳۵- الکوکی، عبدالرحمان (۱۲۷۱-۱۳۲۰)؛ مؤسس روزنامه الشهاب و مؤلف طبایع الاستبداد و ام القری.

۳۶- کردعلی، محمد (۱۸۷۶-۱۹۵۳)؛ مؤسس مجله المقتبس، از آثار اوست غرائب الغرب والاسلام والحضاریة العربیه.

۳۷- محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ق)؛ مؤسس فرقه وهابیه و دارای آثار فراوان.

۳۸- مطهری، مرتضی (۱۲۹۹-۱۳۵۸ش)؛ فقیه، فیلسوف و نویسنده اصلاح طلب.

۳۹- منتظری، حسینعلی؛ مرجع تقلید و مبارز و تشریح کننده تر ولایت فقیه.

۴۰- میرزا ملکم خان (۱۲۴۹-۱۳۲۴ق)؛ مؤسس روزنامه قانون و انتقال دهنده اندیشه مشروطه.

۴۱- نوری، فضل الله (۱۲۵۹-۱۳۲۷)؛ پیشنهاد دهنده تر مشروطه مشروعه.

۴۲- ندیم پاشا، عبدالله (۱۸۴۵-۱۸۹۶)؛ از مصلحان مصری و صاحب تر اصلاحی.

۴۳- هندی، سر سید احمد خان (۱۸۱۷-۱۸۹۷)؛ صاحب تر اصلاحی و مؤسس دانشگاه علیگره هند.

۴۴- هندی، امیر علی بن سعادتعلی (۱۸۴۹-۱۹۲۸)؛ مؤسس الجمعية الوطنیة الاسلامیة در هند و نویسنده مبارز.

مصلحانی که در فوق نامشان گذشت، پاره ای از کسانی هستند که باید محقق درباره آنان تحقیق کند؛ از این گونه افراد، کسان دیگری نیز هستند که محقق باید در پی شناسایی آنان رود.

کار دیگری که محقق باید انجام دهد مطالعه آثار

نویسندگانی است که تمام یا پاره ای از نگاشته های آنان به موضوع یاد شده مربوط است؛ از آن جمله می توان از مصلحان ذیل نام برد.

سید جمال الدین اسد آبادی؛ شیخ محمد عبده؛ رشید رضا؛ ابوالکلام آزاد؛ ابوالاعلی مودودی؛ محمد قطب؛ سید قطب؛ محمد اقبال لاهوری؛ محمد غزالی؛ زینب غزالی؛ حسن النباء؛ دکتر علی شریعتی؛ مهدی بازرگان؛ مرتضی مطهری؛ محمد ابو زهره؛ محمد رضا حکیمی؛ سید محمود طالقانی؛ محمد بن عبدالوهاب؛ شکیب ارسلان؛ احمد امین؛ طه حسین؛ عباس محمود العقاد.

سومین کار در این باره، مطالعه پیامها و بیانیه های احزاب و سازمانهای سیاسی کشورهای اسلامی در قرن اخیر است که از آن جمله می توان به سازمانهای زیر اشاره کرد.

اخوان المسلمین؛ فدائیان اسلام؛ مسلم لیک؛ حزب بعث؛ احزاب کمونیست کشورهای اسلامی؛ احزاب ملی گرای کشورهای اسلامی؛ انجمنهای سری مشروطه؛ نهضت آزادی ایران.

خواندن کتابهای زیر نیز به محقق کمک خوبی خواهد کرد.

۱- عبقری الاصلاح والتعلیم الامام محمد عبده. عباس محمود العقاد.

۲- تاریخ الأستاذ الامام شیخ محمد عبده رشید رضا حسینی. قاهره، مطبعة المنار، ۱۹۳۱.

۳- سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی صدر و اثنی عشری. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸.

۴- ام القری. سید عبدالرحمان کوکی. قاهره.

۵- طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد. مصر، مطبعة المعارف، ۱۹۰۴.

۶- تنبیه الأمة و تنزیه الملة. میرزا محمد حسین غروی نائینی. تهران، ۱۳۷۴.

۷- سیری در اندیشه سیاسی عرب. حمید عنایت. امیر کبیر، ۱۳۰۶.

۸- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. حمید عنایت. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی خوارزمی، ۱۳۶۲.

۹- اسلام و سوسیالیسم در مصر. همو. انتشارات موج،

- حمیدرضا مستعان [مستعار]. کامل، ۱۳۵۵.
- ۳۰- مرجعیت و روحانیت. جمعی از نویسندگان. شرکت انتشار.
- ۳۱- نهضت بیدارگری در جهان اسلام. جمعی از نویسندگان. ترجمه محمد مهدی جعفری. شرکت انتشار.
- ۳۲- رویارویی مسلکها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی. علی السمان ترجمه حمید نوحی. انتشارات قلم.
- ۳۳- وهابیان. علی اصغر فقیهی. صبا، ۱۳۵۴.
- ۳۴- تاریخ افریقا. ترجمه و تألیف ع. دخانیانی. انتشارات توکاسل، ۱۳۵۸.
- ۳۵- الکوکی حیات و آرائه. خلف الله محمد. قاهره، مکتبه العرب، ۱۹۵۶.
- ۳۶- تاریخ الحركة القومیة. عبدالرحمان الرافعی. قاهره، مکتبه النهضة المصرية، ۱۹۵۵.
- ۳۷- مصطفی کمال، باعث الحركة الوطنية. قاهره، مطبعة الشرقی، ۱۹۳۹.
- ۳۸- الحركة السنوسية. احمد صدقی الدجانی. دارلبنان للطباعة والنشر، ۱۹۶۷.
- ۳۹- الفكر الديني الاسلامي في العالم العربي. توفیق الطویل. بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۶۷.
- ۴۰- کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب. محسن امین.
- ۴۱- القومیة فی نظر الاسلام، محمد احمد باشمیل، بیروت، ۱۹۶۰.
- ۴۲- اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، فریدون آدمیت. تهران، ۱۳۴۶.
- ۴۳- اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده. همو. تهران، ۱۳۴۹.
- ۴۴- اندیشه ترقی و حکومت در عصر سپهسالار. همو. تهران، ۱۳۴۹.
- ۴۵- تشیع و مشروطیت در ایران. عبدالهادی حائری.
- ۴۶- نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب عبدالهادی حائری، ۱۳۶۷، تهران.
- ۱۰- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان. ترجمه و تألیف سید علی خامنه ای. انتشارات آسیا، چاپ اول ۱۳۴۷.
- ۱۱- افضل الجهاد. عمار اوزگان، ترجمه حسن حبیبی.
- ۱۲- اسلام در جهان امروز. اسمیت، ویلفرد کنت ول. ترجمه حسینعلی هرولی. دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۳- زعماء الإصلاح فی عصر الحدیث. احمد امین. قاهره، مکتبه العربیة، ۱۹۴۸.
- ۱۴- رشید رضا و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب. محمد بن عبدالله السلیمان. مکتبه العلاء الکویت. ۱۹۸۸.
- ۱۵- مقدمه ای بر نهضت شناسی. علی محمد نقوی. انتشاراتی نور.
- ۱۶- اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ. کمال حاج سید جواد. نشر میثاق، تهران ۱۳۵۸.
- ۱۷- من وثائق الصراع بین الأخوان المسلمین و جمال عبدالناصر مصطفی السبائی. دمشق، ۱۹۵۴.
- ۱۸- فضائح الأحزاب السیاسیه فی مصر. انوار الجندی.
- ۱۹- حتی یعلم الناس. احمد انیس الحجاجی. دمشق، ۱۹۵۴.
- ۲۰- وثائق، همو. ۱۹۴۷.
- ۲۱- صوت من الجنة. همو. ۱۹۵۲.
- ۲۲- نهضة الشعوب الإسلامية فی العصر الحدیث. محمد حبیب احمد. ۱۹۵۳.
- ۲۳- فی اعقاب الثورة المصرية. عبدالرحمان الرافعی. ۵۱- ۱۹۴۸.
- ۲۴- الاخوان المسلمین فی المیزان. محمد حسن احمد. ۱۹۴۷.
- ۲۵- الاخوان والارهاب.
- ۲۶- الاخوان المسلمون والمجتمع المصری. محمد شوقی زکی. ۱۹۵۴.
- ۲۷- شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر. سید مصطفی حسینی طباطبایی. قلم، ۱۳۵۷.
- ۲۸- در خاور میانه چه گذشت. ناصرالدین نشاشیبی.
- ترجمه محمد حسین روحانی. تونس، ۱۳۵۷.
- ۲۹- ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی.

